

# نقش مشارکت کودکان در طراحی منظرهای شهری

مورد مطالعاتی: پارک‌های محلی

پوشش: شهر، منظر، معماری، برنامه‌ریزی، پارک‌ها، کودکان، مشارکت

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۷/۳۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۱۱/۱۱

## چکیده:

مشارکت کودکان در فرایند طراحی و برنامه‌ریزی محیط‌ها و منظرهای پایدار شهری در دهه‌های اخیر بسیار مورد توجه قرار گرفته است. اگرچه این موضوع نوانسسته در حوزه مباحث نظری از جایگاه ممتازی برخوردار تسود، اما در عرصه عملی، طراحی برای این گروه از جامعه همچنان بر اساس برداشت‌های معمارانه از نیازهای آنها صورت می‌گیرد. همچنین به نظر می‌رسد که این برداشت‌ها لزوماً از نگاهی دقیق به نیازهای واقعی کودکان برخوردار نمی‌باشد. هدف این مقاله بررسی اهمیت برنامه‌ریزی و طراحی محیط‌ها و منظرهای شهری برای کودکان از نگاه آنها و نه تنها بر پایه استنباط بزرگسالان است. با توجه به کاهش میزان حضور کودکان در محیط‌های باز شهری به خصوص پارک‌هایی که به منظور آنها طراحی می‌گردند، این مقاله در راستای پاسخگویی به دو سوال اصلی شکل می‌گیرد: آیا می‌توان عدم برقراری ارتباط کودکان با منظرهای طراحی شده، به واسطه بر آورده نشدن نیازهای اصلی جسمانی و معنوی آنها را یکی از دلایل اصلی این کاهش دانست؟ و والدین تا چه میزان می‌توانند در کاهش فاصله میان نیازهای واقعی عملکردی و زیبایی شناسانه کودکان و درک طراحان از این نیازها و ترجیحات، موثر واقع شوند؟ برای یافتن پاسخ پرسش‌های مطرح شده دهه‌هایی با استفاده از تکنیک پرسش نامه، از کودکان ۶-۱۰ سال و والدین آنها در درون و بیرون پارک‌های محلی در شهر تهران، به دست آمده است. با این هدف، که اهمیت مشارکت کودکان در بهبود عملکرد پارک‌های محلی و نهایتاً بهبود روند رشد آنها مشخص گردد.

## واژگان کلیدی:

مشارکت کودکان، طراحی محیط و منظر، پارک‌های محلی، نقش والدین

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## مقدمه

مطالعات انجام شده در مورد عملکرد کودکان در فضاهای داخلی و خارجی نشان می‌دهد که خواسته‌های آنها با رویکردهای طراحی که توسط طراحان انتخاب می‌شوند کاملاً سازگار نیستند زیرا ارزش یک مکان برای کودکان بیشتر به واسطه عملکرد آن مکان معین می‌گردد تا به وسیله شکل و فرم آن. به زبان دیگر افراد بزرگسال فضا را بیشتر به واسطه فرم، عملکرد و تاثیرات زیبایی شناسانه آنها درک می‌کنند در حالیکه کودکان فضاها را بیشتر بر اساس عملکردشان می‌بینند (Christensen, 2003). در نتیجه عدم موفقیت معماران در شبیه سازی فرایند ادراکی کودکان، حاصلی جز خلق فضاهایی ناکارآمد برای این دسته از کاربران ندارد و در این حالت فرصت کودکان برای اینکه تحت نظارت و کنترل خودشان فرایند اجتماعی شدن را طی کنند از بین می‌رود.

با توجه به آنچه گفته شد تحقیقات و مطالعات بسیاری در راستای ایجاد درکی عمیق تر و صحیح تر از نیازهای کودکان شکل گرفته اند. با این حال به نظر می‌رسد با وجود کلیه پژوهش‌های صورت گرفته در این راستا، تحقیقات اخیر بر اهمیت حضور کودکان در کنز بزرگترها در کلیه برنامه‌های مشارکت کاربران در فرایند تصمیم گیری برای پروژه‌های محلی، تاکید دارند. به طوریکه امروزه مشارکت کودکان در فرایند طراحی و برنامه ریزی به موضوعی مهم و پرطرفدار بدل گشته و تحقیقات متعددی بر روی اهمیت این موضوع انجام شده است (Hart, 1992).

تحقیق حاضر که به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است سعی کرده تا با تاکید بر موضوع مشارکت کودکان در فرایندهای تصمیم گیری، برنامه ریزی و طراحی بناها و فضاهای شهری، اهمیت این موضوع در روند استفاده کودکان از چنین فضاهایی را بررسی نماید. همچنین سعی شده تا صحت این فرضیه که یکی از علل کاهش میزان استفاده کودکان از فضاهای طراحی شده شهری که به ناپودی پدیده کودکی در زمان حاضر منجر شده است را بر آورده نشدن نیازهای اصلی جسمانی و معنوی آنها و در حقیقت عدم ارتباط صحیح کودکان با فضاهای شهری دانست. همچنین با توجه به مشکلاتی که در ارتباط مستقیم کودکان و طراحان و نحوه انتقال مفهیم بین این دو گروه وجود دارد نوشتار حاضر در جستجوی این مساله است که آیا طراحان و برنامه ریزان می‌توانند از والدین به عنوان پلی ارتباط دهنده برای کاهش فاصله میان نیازهای واقعی عملکردی و زیبایی شناسانه کودکان و درک طراحان از این نیازها و ترجیحات استفاده نمایند.

این مقاله پارک‌های محلی را به عنوان نمونه ای از کلیه فضاهای ساخته شده موجود در شهر انتخاب نموده و محل پژوهش را نیز در شهر تهران به عنوان پایتخت و پر جمعیت ترین شهر ایران که از حیث الگوهای زندگی شهری یا بسیاری از شهرهای بزرگ دنیا قابل مقایسه است، محدود ساخته است. در پژوهش حاضر سعی شده تا با جمع آوری اطلاعات مورد نظر به صحت این فرضیه که مشارکت کودکان می‌تواند به عنوان عاملی اصلی در بالا بردن میزان تاثیر و کارایی چنین فضاهایی مد نظر قرار گیرد، دست پیدا کنیم. اطلاعات و مدارک مورد نیاز از طریق پرسشنامه و انجام مصاحبه‌های انفرادی با کودکان (سنین ۶ تا ۱۰ سال) و والدین آنها درون پارک‌های محلی و خارج از آن انجام شده است. پرسش نامه ها که برای والدین و کودکان به شکل مجزا طراحی شده بودند شامل هر دو گروه سوالات یا پاسخ مشخص و قطعی

و همچنین سوالات توصیفی با ابتهای باز می‌شدند. تحقیقات انجام شده خارج از پارک در چهار مدرسه ابتدایی دخترانه و پسرانه که در مناطق مختلف شهر تهران واقع شده بودند انجام گرفت و برای مطالعات درون پارکی، چهار پارک محلی که از نظر شکل، امکانات، مساحت و محل استقرار متفاوت بودند مورد انتخاب قرار گرفت. از آن جایی که تحقیق حاضر جامعه آماری کوچکی را مد نظر قرار داده است بیان نتایج آن به شکل آمار و ارقام توصیفی ارائه می‌گردند.

## پیشینه مشارکت کودکان

تفاوت‌های قطعی و در عین حال مبهم و غیر قابل تشخیص بسیاری بین طراحی یک فضا برای کودکان و بزرگسالان وجود دارد، از این رو طراحی فضاها برای کودکان نیازمند حساسیت بیشتر و آگاهی نسبت به منحصر به فرد بودن شرایط کسانی دارد که از این فضاها بهره مند می‌گردند. تحقیقات بسیاری در زمینه این وجوه اختلاف نوشته شده است و مقالات و کتب علمی متعددی نیز وجود دارند که بر این تمایزات تاکید نموده و سعی در ارائه دستورالعمل‌ها و راهکارهای مناسب دارند. مطالعه اسناد و مدارک موجود در این زمینه مشخص می‌سازند که تمایزات موجود بین کودکان و انسان‌های بالغ را می‌توان به دو دسته اصلی تقسیم نمود که دسته اول شامل تفاوت در ابعاد و اندازه ها، محدودیت‌های حرکتی و نیازهای فیزیکی برای رشد بوده و دسته دوم به تفاوت‌ها و نیازهای روانشناختی کودکان می‌پردازد. در مورد ویژگی‌های دسته اول امروزه منابع بسیاری در دسترس هستند که اطلاعات موثری در ارتباط با این ویژگی‌ها در اختیار طراحان قرار می‌دهند و با استفاده از یک برنامه ریزی دقیق، طراحان تا حد مطلوبی می‌توانند به دیدگاه جامعی نسبت به آنها پیدا کرده و آن را در فضایی که طراحی خواهند کرد اعمال نمایند. در مورد ویژگی‌های دسته دوم یعنی نیازهای روانشناختی کودکان می‌توان گفت که دشوارترین مرحله از طراحی برای کودکان احتمال همین دسته از توجهات می‌باشد و این مساله در حالیست که این دسته از نیازها شایسته بیشترین میزان توجه و اهمیت نیز می‌باشند بخش بسیار مهمی که در بسیاری از پروژه‌ها نادیده گرفته می‌شود و درک آن نیازمند برقراری ارتباط موثری بین طراحان و کاربران در طول فرایند طراحی می‌باشد. البته تمدادی از روانشناسان تحقیقات مفصلی در زمینه تئوری‌های رشد انجام داده و در آن‌ها در مورد مراحل رشد کودک و درک او از فضا در هریک از این مراحل اطلاعات نسبتاً دقیقی به دست آمده است (Talen, Coffindaffer, 1999).

برخی از پژوهش‌ها نیازهای کودکانی که در شهرها (Lynch, 1978) و روستاها بزرگ می‌شوند (Ward, 1988) را مورد بررسی قرار می‌دهند. همچنین مطالعات دقیق تری در همین زمینه در مورد پارک‌های منطقه ای (Perez, Hart, 1980)، امنیت زمین‌های بازی، پارک‌های کوچک و میدان‌های محلی نیز وجود دارند. به علاوه محققان بسیاری مباحث جدید تری که امروزه شکل گرفته اند نظیر ارزیابی رابطه بین گیاهان و کودکان (Moore, 1990) و کودکان و حیوانات (Melson, Peel, Sparks, 1991) را مورد بررسی قرار داده‌اند. مطالعاتی نیز در مورد شهرهای دوستدار کودکان (Horelli, 1998)، فرهنگ جدید شهرنشینی و محیط و منظرهای تأمین کننده سلامت وجود دارند. علاوه بر آنچه گفته شد بررسی‌ها عوامل متعددی مانند ناپودی پدیده کودکی (Postman, 1994)، حق کودکان برای بازی کردن و رابطه و بازی

گردید (Hart, 1992). سالیهای ۱۹۹۰ میلادی را می‌توان کشف دوباره کودکان به عنوان طراحان و برنامه ریزان دانست به طوریکه حتی برخی از نظریه پردازان تا آنجا پیش رفتند که کودکان را به عنوان شهروندان دارای نقشی کلیدی در طراحی شهرهای آینده دانستند و تحقیقات متعددی در بسیاری از کشورهای آمریکایی و اروپایی در این زمینه انجام شد (Convention on the Rights of the Child).

در همین زمان ایده مشارکت کودکان در فرایند تصمیم گیری به عنوان اصلی ترین موضوع کنوانسیون حقوق کودک (Chawla, 2001) که در سال ۱۹۸۹ میلادی برگزار شد، مطرح گردید. تنها مرجع جهانی که به تدوین قوانینی در مورد حقوق کودکان در حوزه های مختلف مانند سلامت، تحصیلات، استانداردهای زندگی، مسکن، حقوق شهروندی و حق مشارکت کودکان، پرداخت. به طور عمده اصلی ترین دلیل افزایش توجهات و علائق به این حوزه در سالهای ۱۹۹۰ میلادی را می‌توان فشارهای وارده از طرف سازمان مال در مورد بالا بردن کیفیت محیطهای مورد استفاده کودکان به عنوان مهمترین ابزار برای مبارزه با اثرات منفی فقر در شهرها، دانست. برخی از تحقیقات انجام شده در این زمینه مانند برنامه جهانی یونسکو تحت عنوان "بزرگ شدن در شهرها" از حضور کودکان در برخی از پروژه های عملی استفاده نموده اند تا به اهداف کنوانسیون حقوق کودکان و دستور کار ۲۱ در حوزه طراحی شهری دست پیدا کنند. این پروژه ها رویکرد استفاده از مشارکت کودکان را انتخاب نموده و با استفاده از خود کودکان به ارزیابی محیطهای شهری و استانداردهای زندگی می‌پردازند. این موضوع به معنای تغییر رویکردهای پیشین و قرار دادن کودکان و بزرگسالان در کنار یکدیگر در یک برنامه مشارکتی برای بالا بردن کیفیت محیطهای شهری و دست یافتن به اهداف توسعه پایدار است (Francis, 1999).

جنبشی که به عنوان یک جریان اجتماعی توسط بزرگسالان برای بیان نیازها و دفاع از حقوق کودکان در طراحی و برنامه ریزی مطرح شد اکنون به عنوان رویکردی اساسی در طراحی محسوب می‌گردد. اگرچه هنوز همه محیطهای شهری در دنیا با مشارکت مستقیم کودکان و یا حداقل توجه به آنها طراحی نمی‌شوند، هر روزه کشورهای بیشتری به این موضوع علاقه نشان داده و تلاش برای افزایش توجه طراحان به این موضوع در صدر برنامه‌های آنها قرار می‌گیرد. این جریان به شکلی کاملاً تدریجی پدید آمده و در طول این دوران مراحل پیشرفت مختلفی متناهد می‌شود که در هر یک از این مراحل درجات و شیوه‌های متفاوتی از میزان این مشارکت قابل بررسی است.

موضوع مشارکت کودکان به طور کلی و مشارکت آنها در طراحی و برنامه ریزی منظرهای شهری به طور اخص تا به امروز شاهد پیشرفت‌های بسیاری بوده است. از مباحث صرفاً تئوری تا روش‌های موثرتری مانند مشارکت در جلسات تصمیم گیری در محلات (Lepore, 1993). Lorenzo, می‌توان گفت پیشرفت‌هایی به وجود آمده در مباحث تئوری با موضوع عمومی همکاری بین طراحان و کاربران نیز در این تکامل تدریجی موثر بوده است. همچنین تحقیقات موثری نیز در زمینه تکنیک‌های استفاده از همکاری کودکان در طراحی و برنامه ریزی انجام گرفته است (Chawla, 2001). در حال حاضر هر روز تحقیقات جامع تری در ارتباط با ارزش‌های مشارکت کودکان در دنیا انجام می‌گیرد که از هر دو زمینه مطالعات نظری و پژوهش‌های عملی برای دستیابی به نتایج مطمئن تر بهره می‌جویند (Pradhan, 2007). همچنین تأمین

انها به طبیعت (Wood, 1993) که بر رشد کودکان در شهرها اثر می‌گذارد را شناسایی می‌کنند. امروزه تئوری‌های متعددی نیز در مورد اهمیت سلامت و در دسترس بودن محیطهای شهری برای کودکان وجود دارد (Noschis, 1995) و همچنین تئوری‌های کلی تری در مورد رابطه کودکان و محیطهای شهری (Holloway, Valentine, 2000). جنبه‌های مختلف کودکان (Gorlitz, et al, 1998)، روششناسی کودک (Hiss, 1990) و تجربه و احساس کودک از یک مکان (Chawla, 2001) مطرح گشته اند.

با وجود کلیه مطالعات صورت گرفته برای شناسایی هرچه بهتر نیازهای کودکان، تحقیقات اخیر نشان می‌دهد که موفقیت این گونه مکان‌ها در گروه مشارکت فعال کودکان به همراه سایر کاربران در کلیه مراحل طراحی و مدیریت آن‌ها خواهد بود (Growing Up In Cities). به طوریکه امروزه مشارکت کودکان در فرایند طراحی و برنامه ریزی به موضوعی مهم و برطرف‌دار بدل گشته و تحقیقات متعددی بر روی اهمیت این موضوع انجام شده است. همچنین برخی از این تحقیقات مانند برنامه جهانی یونسکو تحت عنوان "بزرگ شدن در شهر (Agenda 21)" که در راستای اجرای دستور کار ۲۱ (UNICEF, 2000) طراحی شده است، از کودکان در پیشبرد برخی از پروژه‌های عملی استفاده نموده است. از سویی دیگر برخی از سازمان‌های بین‌المللی مانند یونسف سعی دارند تا مشارکت کودکان را به عنوان بهترین راه حل برای طراحی شهرهای پایدار و دوستانه مطرح سازند (Oslo symposium, 2000). با این حال به نظر می‌رسد هنوز بسیاری از کشورهای توسعه نیافته و در حال توسعه مانند ایران از کمبود شدید توجهات و مطالعات تئوری و عملی در این حوزه رنج می‌برند.

مشارکت کودکان در طراحی در حقیقت فرایندیست که طی آن کودکان و نوجوانان در کنار سایر افراد محلی در مورد موضوعاتی که بر روی شرایط زندگی فردی و جمعی آنها اثر می‌گذارد به اظهار نظر می‌پردازند. در این شرایط مشارکت کنندگان در عین حفظ منزلت و موقعیت یکدیگر سعی بر دست یافتن به اهداف مشترک دارند. در این فرایند تجربیات کودکان به خودی خود می‌تواند نقش موثری برای جامعه ایفا کرده و موجب تولید چهارچوب‌هایی برای استفاده از کودکان در فرایندهای تصمیم سازی، طراحی و حتی ساخت مجموعه گردد (Chawla, Heft, 2002). همچنین برخی از تحقیقات نشان می‌دهد که این فرایند مشارکت می‌تواند بر افزایش میزان خودانگیزی و انگیزه‌های شخصی برای رشد در کودکان نیز موثر واقع گردد. علاوه بر آن دست وردهای مادی را نیز می‌توان به خصوص در مناطق فقیرتر شهر نیز در نظر گرفت زیرا در این شرایط می‌توان امکانات مادی مناسب تری که بر اساس نیازهای واقعی کاربران شکل گرفته است در اختیار آنها قرار داد. مروری بر سناد و مدارک موجود در ارتباط با کودکان و طراحی نشان دهنده این موضوع است بحث مشارکت کودکان از دهه ۸۰ میلادی به طور جدی مطرح گشت و طرفداران بسیاری نیز در سراسر جهان پیدا کرد که به طور مثال می‌توان به برنامه‌ها و نشست‌های FDRA (Environmental Design Research Association) یا موضوع "شهر بچگی" (The Childhood City) در همین زمان اشاره نمود (Hart, 1987). در دهه ۹۰ میلادی دستورالعمل‌ها و راهنماهای طراحی متعددی در مورد طراحی امکانات و فضاها برای کودکان تدوین گردید ولی تنها تعداد انگشت شماری پروژه با مشارکت مستقیم کودکان طراحی

منابع مالی و وضع قوانین برای حمایت از این گونه تحقیقات نیز در بیشتر کشورها رایج گشته است. اما متأسفانه همچنان طراحی فضاهای برای کودکان در اغلب مواقع تحت کنترل و محدودیت‌های بزرگسالان شکل می‌گیرد (Sener, 2006). این مسأله بدین معناست که طراحی فضاهای برای کودکان تنها نیازهای فیزیکی استاندارد شده آن را دنبال می‌کند که توسط موسسات و مسوولین بدون حضور کودکان تنوین گشته است. چنین فعالیت‌هایی شانس کودکان را برای اینکه بخشی از فرآیند تصمیم‌گیری برای زندگی خود باشند را بسیار محدود می‌کند. (Holloway, Valentine, 2000).

امروزه پذیرفته شده‌ترین روش در حوزه رویکردهای مشارکتی به طراحی و برنامه‌ریزی فضاهای مخصوص کودکان، استفاده از بزرگسالان برای مطرح ساختن نیازها و دفاع از حقوق کودکان در طراحی و برنامه‌ریزی فضاهای شهری است. در حالیکه هنوز هم بیشتر محیط‌ها بدون در نظر گرفتن نیازهای کودکان و یا بدون مشارکت مستقیم آن ساخته می‌شود، هر روزه تعداد بیشتری از محققان برای نشان دادن اهمیت این موضوع تلاش می‌کنند. اگر چه این تحقیقات روند تکاملی بسیار کندی دارند و هر کدام از منظرهای متفاوت و با نگاهی متفاوت به میزان و محدودیت‌های اینگونه مشارکت‌ها می‌پردازند.

### تغییر فرهنگ و جایگاه کودکی

درک احساس ضرورت و پیشرفت در بحث مشارکت کودکان در طراحی فضاهای شهری به طور مستقیم تحت تاثیر تغییر جایگاه کودکی در شیوه‌های زندگی امروزی قرار گرفته است (Lorenzo, 1998). زندگی کودکان در بسیاری از کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته بسیار بیشتر از گذشته کنترل شده و در محیط‌های بسته سیری می‌شود، این مسأله بدین معناست که دسترسی آنها به فضاهای باز بیش از پیش محدود شده و استفاده آنها از فضاهای سرپوشیده افزایش یافته است. نتیجه آن این است که بسیاری از کودکان قدرت هدایت و رهبری زندگی روزانه خود را از دست داده‌اند و می‌توان گفت که دیگر دوران کودکی به شکل مرسوم خود وجود ندارد و فرصت و مکان کمی برای بروز خود در محیط‌های شهری معاصر حتی پارک‌ها پیدا می‌کند. (McKendrick, et al, 2000).

در دهه‌های اخیر بخش بزرگی از زندگی کودکان در موسساتی نظیر مدارس و یا مهدهای کودک گذرانده و زمانی که خارج از این محیط‌ها هستند اغلب تحت کنترل و حمایت والدین و بزرگسالان در خانه، فروشگاه‌ها و برخی موسسات دیگر زمان را سپری می‌کنند. (Deveraux, 1991). به نظر می‌رسد امروزه کودکان بیشتر اوقات خود را در برابر تلویزیون و کامپیوتر سپری می‌کنند و این مسأله پیامدی نداشته است جز اینکه زمین‌های بازی بدون کاربرد ما در مقایسه با این سرگرمی‌ها روز به روز به فضاهایی ساده‌تر و بدون جذابیت تبدیل می‌شوند. (Harden, 2000). همچنین از آنجایی که کودکان بیشتر با وسایط نقلیه به مکان‌های مورد نظر رسانده می‌شوند بخش بزرگ دیگری از زندگی آنها در اتومبیل‌ها و در ترافیک سپری می‌شود. در نظر گرفتن چنین تغییرات چشمگیری در نوع زندگی کودکان و تاثیرات آن بر روی نحوه مشارکت آنها در طراحی و برنامه‌ریزی محیط‌های شهری مهم به نظر می‌رسد. زیرا در این شرایط لازم است تا برنامه‌ریزان و طراحان به بازنگری و تعریف دوباره رویکردهای پیشین خود بپردازند و نقش اساسی تری برای

کودکان در بیان نیازشان طراحی کنند.

تحقیقات اخیر نشان می‌دهند که علت بروز چنین تغییراتی در تعریف دوران کودکی را می‌توان به ریشه‌گرفته از چنددلیل اصلی دانست یکی از این دلایل را می‌توان به والدین نسبت به امنیت و سلامت کودکان خود در فضاهای شبن دانست (Sattertwait, et al, 1996). مشکل آلودگیها و مواد سمی هوا و محیط نیز به عنوان یکی دیگر از دلایل که به وخیم‌تر شدن اوضاع کمک می‌کند مطرح می‌گردد (Preiser, et al, 1988). همچنین می‌توان این وضعیت را نتیجه این پدیده دانست که کودکان ما امروزه وقت خود را با فعالیت‌های برنامه‌ریزی شده ای مثل کلاس‌های زنی، موسیقی و تقویتی درسی می‌گذرانند و کمتر فرصتی برای برطرف کردن نیاز ارتباط با محیط‌های خارجی و فضاهای سبز پیدا می‌کنند.

در شیوه زندگی نهمی امروز پارک‌ها می‌توانند نقش کلیدی را در پیوند دوباره کودکان محیط طبیعی و زندگی اجتماعی ایفا نمایند. در حقیقت فضاهای باز بین نسبت به فضاهای سرپوشیده ای مثل خانه بیشتر برای حرکت آهسته کودکان آماده است و در آنجا احساس کودکان به وسیله تماس با گلان و حیوانات آماده رشد و شکوفایی می‌شود. تجربه فضاهای بیرونی کودکان این اجازه را می‌دهد تا در مورد تفاوت پدیده‌ها و جلوه‌های جریبات فضاهای داخلی و خارجی داوری کرده و آنها را درک کنند. با این حال تغییر موقعیت و فرهنگ کودکی موجب از بین رفتن غنای تجربه بیرونی کودکان گشته است. از این رو به نظر می‌رسد که درک و فهم دلایل اصلی کم‌رنگ شدن حضور کودکان در فضاهای بیرونی برای مشکل کم مخاطب بودن چنین مکان‌هایی قدم اول در هرگونه پژوهش راجع به محیط‌های طراحی شده برای کودکان باشد. شایان‌توجه تعریف دوباره پارک‌ها یا در نظر گرفتن کلبه و بزرگی‌ها و عملکردی که باید برای آنها در نظر گرفت را به عنوان ابزاری برای غنا بخشیدن به تجربیات دوران کودکی مطرح ساخت.

### جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها

همانطور که در بخش قبل توضیح داده شد به نظر می‌رسد که تغییر موقعیت و فرهنگ کودکی یکی از علل کاهش استفاده کودکان از محیط‌های بیرونی است که به منظور استفاده آنها طراحی گشته است. از این رو به نظر می‌رسد که درک و فهم دلایل اصلی کم‌رنگ شدن حضور کودکان در اینگونه فضاهای می‌تواند به هماهنگ‌تر ساختن آنها با نیازهای واقعی مخاطب و رفع مشکلاتی که کودکان در مواجهه با آنها عدم استفاده از این‌ها را برمی‌گزینند، کمک کند. در این بخش علل و عوامل اصلی گرای کاهش میزان استفاده از پارک‌های محلی توسط کودکان مطرح می‌گردند، مورد بررسی قرار گرفته‌اند. همچنین سعی شده تا اهمیت و هماهنگی این پارک‌ها با نیازهای واقعی کودکان و در نتیجه نقش عدم مشارکت کودکان در طراحی اینگونه فضاهای به عنوان یکی از علل کم‌مخاطب بودن فضاهای طراحی شده مخصوص کودکان مورد مطالعه بررسی گردد.

مطالعه رابطه بزرگسالانها و محیط‌هایی مثل پارک‌ها به طور مشخصی در طی سال‌های اخیر انجام شده است. مطالعات تجربی پارک‌ها از شیوه‌های متنوع استفاده کرده‌اند که اغلب بر پایه تکنیک‌های تحقیقات علوم اجتماع‌مانند تهیه پرسش‌نامه و مشاهده الگوی رفتاری استوار بوده‌اند. برای مشخص نمودن نقطه نظرات کاربران و غیر کاربران

در این بخش از جدول، نمره‌های ۱ تا ۵ در نظر گرفته شده است. ۱: کمترین میزان مشارکت و ۵: بیشترین میزان مشارکت				
۲۲/۳	۷۴	۳۷/۴	۳۸	عدم برقراری ارتباط مناسب کودکان با بین پارک‌ها
۲۶/۸	۴۷	۳۸/۸	۶۸	باز بودن امنیت فضاهای عمومی
۳۳/۴	۴۱	۱۷/۱	۲۰	پژ بودن وقت کودکان با فعالیت‌های برنامه ریزی شده
...	...	۷/۵	۱۴	آلودگی‌های محیطی
۷/۵	۱۳	۹/۱	۱۶	سایر دلایل
۹۰+	۱۷۵	۱۰+	۱۷۵	جمع کل

این مساله بدان معناست که کودکان در پارک‌هایی که تنها به وسیله بزرگسالان طراحی و برنامه ریزی می‌شوند احساس کنترل و مدیریت بر رفتارهای خود نمی‌کنند و کمتر فرصتی برای پیشرفت احساس می‌کنند. این پارک‌ها سانس کودکان برای انجام فعالیت‌های بدنی مناسب، خلوص مرزها و محدوده‌های تخیلی، نمایش توانمندیها و ارضای سایر بتاتسین‌های جسمی و روحی را از بین می‌برد. از این رو طراحی‌های معمارانه که بدون حضور کودکان و شناخت این مساله که کودکان چگونه امکانات و فضای محیط اطراف خود را درک می‌کنند بیهوده به نظر می‌رسد. در این میان شاید بتوان توافقی در سیاست گذاری ها، انتخاب فرایندها و طراحی شیوه‌های مناسب مشارکت کودکان در مسیر طراحی را به عنوان قدم‌های ضروری برای دست یافتن به پارک‌هایی هماهنگ با توسعه پایدار که بتوانند ارتباط بین کودکان و محیط طبیعی و اجتماعی خود را هرچه بیشتر قراهم سازند، دانست.

### نقش مشارکت والدین در طراحی برای کودکان

نگاه به دنیا از دید یک کودک ممکن است تصویری ساده تر و موثرتر از دنیای ما باشد. این توصیف می‌تواند برای آن دسته از معماران که در طراحی‌های خود خواستار ارائه تصویری بدون اشکال، بی نظیر و غیر معمول از کودکی هستند جذاب باشد. با استفاده از این توصیف جدید تعداد زیادی از معماران تلاش کرده‌اند تا محدوده‌هایی را برای بازدید و استفاده کودکان طراحی کنند. طراحی مکان‌هایی که کودکان استفاده کنندگین اصلی آنها هستند (مانند پارک‌ها و زمین‌های بازی) به نظر می‌رسد که باید این فرصت را به کودکان بدهد که جنای از معماران ایستاد وجود کنند. این مکان‌ها باید پاسخگوی نیازها و توانایی‌های کودکان باشد در عین اینکه همچنان توجه و احساس کنجکاوی آنها را برمی‌انگیزد. اما مناسبانه معماران، پارک‌ها و زمین‌های بازی، را تنها برای کودکان طراحی نمی‌کنند. بین معماران و کاربران اصلی این مکان‌ها تعداد زیادی از افراد دیگر (مهندسان، طراحان شهری، مدیران، پارک‌ها، تحلیلگران اقتصادی، ادارات دولتی...) وجود دارند که خواسته‌ها و عقاید خود را تحمیل می‌کنند. در مقایسه با کودکان آنها در دسترس تر هستند و قدرت اعمال نفوذ بیشتری برای اطمینان از انتقال خواسته‌هایشان به معماران دارند. با وجود این موانع ممکن است

در این تحقیق، داده‌ها در دو بخش اصلی بررسی‌های درون پارک و خارج از آن انجام شده است و از تکنیک پرسش نامه برای جمع آوری اطلاعات استفاده شده است. تحقیق شامل گستره ای از پرسش نامه‌ها متناسب با سن پاسخ دهنده‌ها تهیه شده است و پرسش نامه‌های مجزایی برای ۳۵- کودکان و والدین آنها تهیه شده است. در بخش مطالعات خارج از پارک اطلاعات از طریق چهار دبستان دخترانه و پسرانه در تهران و از کودکان خردسال آن مدارس (کودکان اول دبستان تا پنجم دبستان) و والدینشان صورت گرفته است. داده‌ها در بخش مطالعات داخل پارک از طریق مطالعه در سه پارک محله که در مناطق متفاوت شهری و متفاوت از نظر شکل، جغرافیا، اندازه و موقعیت، انجام شده است. در کل ۱۷۵ کودک بین ۶ تا ۱۰ سال با تعداد تقریباً برابر دختر و پسر و ۱۷۵ نفر از والدین آنها در این تحقیق شرکت کرده‌اند.

با بررسی جدول شماره یک مشخص می‌گردد که در ایران نیز همچون مطالعاتی که پیش از این در سایر کشورها صورت گرفته است و در بخش قبل به آنها اشاره شد کودکان و والدینشان بر این باورند که پایین بودن امنیت فضاهای خارج از خانه و رویکردهای جدید خانواده‌ها برای پر کردن اوقات فراغت کودکان نقش عمده ای در چگونگی گذران وقت کودکان در خارج از خانه و استفاده از پارک‌های محلی ایفا می‌کند. در حالی که والدین اعتقاد دارند که امنیت مکان‌ها مهمترین دلیل برای این کاهش است و ۳۲،۸٪ آن را تئید نموده‌اند تنها ۸،۲۶ درصد از کودکان در مورد آن صحبت کرده‌اند. به علاوه به نظر می‌رسد در ایران مساله آلودگی محیطی و هوا نه به واسطه کودکان و نه والدینشان جدی تلقی نمی‌شود. فکتور جدیدی که از طریق مطرح کردن یک سری از سوالات هدفمند به دست آمده است این است که کودکان محیط‌های شهری خود به خصوص پارک‌های محله‌شان را دوست ندارند و با آنها ارتباط برقرار نمی‌کنند. زیرا این پارک‌ها پاسخگوی نیازهای جسمی و روحی واقعی کودکان نبوده و توان رقابت با سایر تفریحات نظیر بازی‌های کامپیوتری و برنامه‌های تلویزیونی را ندارند. اگر چه این شاخصه مهمترین دلیل کاهش استفاده از پارک‌های محلی از نگاه کودکان بوده است و ۳۴،۲ درصد از کودکان به آن توجه نشان داده‌اند از نظر والدین این دلیل در رتبه دوم اهمیت قرار داشته است و تنها ۲،۲۷ درصد از والدین به این مساله اشاره نموده‌اند.

سلامت فضاهای بازی، شکل و رنگ مبلمان‌های مورد استفاده درون پارک و برگزاری رخ دادهای فرهنگی مثل تئاتر، برخورد یکسانی داشته اند. این مساله در حالیست که آنها به طور کاملاً مشخصی در برخورد با سایر نیازها و فاکتورهای محیطی میزان متفاوتی از توجهات را ابراز نموده اند. وجود امکاناتی نظیر فروشگاههای مواد خوراکی، حضور حیوانات در پارک، امکان انجام فعالیت‌های متنوع و تنوع نوع درختان و گل‌ها بسیار بیشتر از والدین مورد توجه کودکان قرار گرفته است. در همین حال والدین علاقه بیشتری نسبت به جنبه‌ها و نیازهای فیزیکی مورد نیاز در پارک‌ها نشان داده اند. تعداد والدینی که فکر می‌کردند فرم، شکلی و بزرگی پارک‌ها برای کودکان از اهمیت خاصی برخوردار است حدوداً ۴ برابر کودکانی است که این موضوع را مطرح کرده اند. همچنین چنایی و تفکیک فضایی و میزان سطح فضای سبز به طور کاملاً مشخصی در کودکان نسبت به والدینشان از اهمیت کمتری برخوردار بوده است. در این میان اگر چه امکانات بهداشتی برای پارک‌ها ضروری است اما والدین ۱۵ برابر کودکان به این موضوع اشاره داشته اند. به طور خلاصه از اطلاعات به دست آمده می‌توان نتیجه گرفت که والدین درکی مناسب ولی تا کامل از نیازهای محیطی کودکانشان داشته اند. به نظر می‌رسد آنها در ردیف بندی و تعیین اهمیت خواسته‌ها و نیازهای کودکانشان

جدول ۲ - مقایسه نظرات کودکان و والدین در مورد نیازهای واقعی در طراحی پارکهای

بزرگی‌های اصلی مورد توجه در طراحی پارک‌ها	والدین		کودکان	
	۲۹-۳۰	۳۱-۳۲	۳۳-۳۴	۳۵-۳۶
فرم، شکل و ابعاد پارک	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳
امکانات بهداشتی	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴
انگشت‌نمایی	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵
وجود فزایندهای عرضه کننده محصولات سبز	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶
امکان مکان‌های کاملاً خشک شده برای کودکان	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷
سبزه، زمین‌ها و وسایل بازی	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸
نوع، باغچه‌ها، باغچه‌ها و فضای بازی	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹
شکل، رنگ و فرم مبلمان	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰
تنوع در فعالیت‌های تفریحی شده	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱
میزان سطح اشغال شده توسط پوشش گیاهی	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲
تعداد تنوع در گونه‌های گیاهی مورد استفاده	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳
حضور جانوران	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴

رابطه بین کودکان و طراحان ضعیف و کم‌رنگ شده و حتی از بین برود. تعداد زیادی از منتقدان به فقدان اطلاعات در زمانی که شکاف بین معماران و کاربران گسترده می‌شود اشاره می‌کنند. برای پاسخ به این انتقادات مطالعات و پژوهش‌هایی برای یافتن پل‌های ارتباطی مناسب در بین معماران و کودکان آغاز شده اند. در فرایند طراحی پارک‌ها کودکان به طور کاملاً مشخصی، متفاوت از کسانی هستند که خواسته‌هایشان را به نمایندگی از آنها مطرح کرده و تحمیل می‌کنند، آن‌ها از نظر ابعاد و اندازه، ادراک ارزش‌ها، خواسته‌ها و قدرت کنترل متفاوت هستند. آیا زمان آن نرسیده که طراحان و معماران این افکار شکل گرفته شده بزرگسالان را رها کرده و به این تفاوت‌ها توجه نشان داده و پاسخ‌های مناسبی برای آن پیدا کنند. در این میان این فرضیه مطرح می‌گردد که برای حل این مشکل آیا والدین که پیش از معماران به کودکانشان نزدیک هستند می‌توانند نیازهای محیطی کودکانشان را مطرح کنند؟ آیا آنها می‌توانند وسیله‌ای برای برقراری ارتباط بین معماران و کودکان خود باشند؟

برای تصمیم‌گیری در این مورد که آیا والدین رابط‌های مناسبی برای ارائه خواسته‌های کودکان به معماران هستند یا نه در این پژوهش پرسش‌هایی هدفمند و مرتبط با نحوه استفاده کودکان از پارک‌های محلی از والدین و کودکانشان به شکل مجزا پرسیده شد و پاسخ‌های هر دو گروه با یکدیگر مقایسه گشت. پاسخ‌های والدین و کودکان در مورد جنبه‌های مورد علاقه و مورد انتقاد در ارتباط با پارک‌های محله‌شان و تغییرات مورد نظرشان در مورد این پارک‌ها با هم مقایسه شده اند و از والدین پرسش شده است که به نظر آنها کودکانشان در کدام قسمت پارک بیشتر تمایل به بازی دارند. اگر چه این نمونه کوچک و تا حدی محدود است، اطلاعات به طور کاملاً مشخصی رویکرد کودکان و والدینشان را با هم مقایسه می‌تواند و می‌تواند یک پایه توصیفی برای انجام آزمایشات و مطالعات بعدی قرار گیرد.

این قسمت از تحقیق در تلاش برای یافتن تفاوت‌های دیدگاه‌های والدین و کودکانشان در تصورات، علایق و نحوه مشارکت آنها در پارک‌های محله‌شان است. کودکان و والدین به طور مجزا مخاطب قرار گرفته اند و به تعدادی پرسش پاسخ گفته اند. پرسش‌هایی در مورد: جنبه‌های فیزیکی محله‌شان که آنها دوست دارند یا ندارند، توانایی آنها در یافتن مکان‌های خصوصی، مکان‌هایی در پارک که بیشتر مورد علاقه آنها است، تغییراتی که آنها علاقه مند به ایجادشان هستند، محدودیت‌هایی که در پارک تجربه کرده اند و در نهایت رضایت کلی آنها از پارک‌های محله‌شان. مصاحبه از کودکان و والدین شامل هر دو نوع سؤالات با انتهای باز و بسته می‌شوند و به واسطه گسترده بودن پرسش‌ها و نتایج استنتاجی آن تنها آمار به دست آمده در قالب دسته بندی‌های کلی تر به شکل مفاهیم شناخته شده طراحی ارائه می‌گردند.

بر اساس آنچه در جدول شماره ۲ مشاهده می‌شود می‌توان رویکردها و برخوردهای کودکان و والدینشان را در مواجهه با برخی از فاکتورهای مهم طراحی پارک‌های محلی مورد بررسی قرار داد. به نظر می‌رسد هر دو گروه مورد بررسی تقریباً در توجه به انعطاف پذیر بودن و خلافتانه بودن فضاها، امنیت و

نیازهای آنها ندارد منجر به خلق فضاهایی ناکارآمد شده است که در ادامه می‌تواند عامل تشدید وضعیت نابساغان از بین رفتن پدیده کودکی گردد. همانطور که مطرح گشت به توجه به گسترش مطالعات انجام شده در زمینه عدم هماهنگی محیط‌های طراحی شده برای کودکان با نیازهای واقعی آنها و بررسی علل و عوامل آن، تحقیقات اخیر بر اهمیت برقراری ارتباط موثری بین طراحان و کاربران در طول فرایند طراحی برای درک نیازهای واقعی کودکان و هماهنگی در ساختن فضاهای طراحی شده برای آنها با خواسته‌هایشان تأکید دارند. به نظر می‌رسد این ارتباط موثر از طریق حضور کودکان در کنار بزرگترها در کلیه برنامه‌های مشارکت کاربران در فرایند تصمیم‌گیری برای پروژه‌های محلی حاصل می‌گردد. در حقیقت مشارکت کودکان در طراحی فرایندیست که طی آن کودکان و نوجوانان در کنار سایر افراد محلی در مورد موضوعاتی که بر روی شرایط زندگی فردی و جمعی آنها اثر می‌گذارد به اظهار نظر می‌پردازند. در حال حاضر هر روز تحقیقات جامع‌تری در هر دو زمینه مطالعات نظری و پژوهش‌های عملی در ارتباط با ارزش‌های مشارکت کودکان در دنیا انجام می‌گیرد. همچنین تأمین منابع مالی و وضع قوانین برای حمایت از این گونه تحقیقات نیز در بیشتر کشورهای رایج گشته است. اما متأسفانه همچنان طراحی فضاهای برای کودکان در اغلب مواقع تحت کنترل و محدودیت‌های بزرگسالان شکل می‌گیرد.

در شرایطی که مطالعات و پژوهش‌های صورت گرفته بر اهمیت برقراری ارتباط موثر بین کودکان و طراحان در طول فرایند طراحی در جهت رفع کمبودهای رایج در فضاهای طراحی شده و هماهنگی ساختن آنها با نیازهای کودکان تأکید دارند، همچنان بهترین رویکرد موجود استفاده از ارتباط با واسطه کودکان و طراحان است. به نظر می‌رسد که همچنان پذیرفته شده‌ترین روش در حوزه رویکردهای مشارکتی به طراحی و برنامه‌ریزی فضاهای مخصوص کودکان، استفاده از بزرگسالان برای مطرح ساختن نیازها و دفاع از حقوق کودکان در طراحی و برنامه‌ریزی فضاهای شهری است. در چنین شرایطی نیز کاربران محلی همچون طراحان با نقشه نظرات افراد بزرگسال که دارای نیازهای فیزیکی و روحی متفاوت می‌باشند به تفاوت در مورد خواسته‌های کودکانی با دنیای کاملاً متفاوت می‌پردازند. اگرچه این شود هزینه اقتصادی و زمان تلف شده کمتری برای گروه طراحی و سرمایه‌گذاران به همراه دارد و حداقل بخشی از نیازهای مردم محلی را پوشش می‌دهد اما در این روش همچنان کودکان و خواسته‌های متفاوتشان به عنوان مخاطبان اصلی که اینگونه از فضاها به‌منظور آنها طراحی می‌گردد، نادیده گرفته خواهند شد. زیرا به نظر می‌رسد که بزرگسالان در انتقال مفاهیم ذهنی و خواسته‌های واقعی کودکان چندان موفق نمی‌باشند. همچنان این سوال مطرح می‌شود که آیا والدین به عنوان کسانی که بیشترین شناخت را نسبت به شرایط روحی و فیزیکی کودکان خود دارند می‌توانند برقرار کننده ارتباط موفق بین کودکان و معماران باشند. آنچه آمار حاصل آمده از این پژوهش کوچک مطرح می‌نماید این است که والدین نیز اگرچه درک عمیق‌تری نسبت به نیازهای فرزندانشان دارند اما همچنان در انتقال نیازهای متنوع و گوناگون کودکانشان محدود هستند. از این رو به نظر می‌رسد که برای هماهنگی هر چه بیشتر با نیازهای کودکان شیوه‌های سنتی معماری ملزم به بازسازی و بازنگری است و به نظر می‌رسد در این میان اطلاعات دردیفتی از خود کودکان می‌تواند مهمترین

بر اساس تقدم و تاخیر که در این گزارش ارائه داده اند ناتوان هستند.

### نتیجه‌گیری

همانطور که در قسمت‌های پیشین مطرح گشت مطالعات نشان می‌دهد که تفاوت‌های قطعی و در عین حال مبهم بسیاری از نقطه نظر نیازهای فیزیکی و روانشناختی بین کودکان و بزرگسالان وجود دارد. از این رو طراحی فضاهای موثر برای کودکان نیازمند حساسیت بیشتر و آگاهی نسبت به شرایط خاص کسانی دردد که مخاطب اینگونه از فضاها می‌باشند. تحقیقات انجام شده در مورد عملکرد کودکان در فضاهای داخلی و خارجی نشان می‌دهد که خواسته‌های آنها کاملاً منطبق بر رویکردهای طراحی که توسط طراحان در فرایند ساخت یک مجموعه انتخاب می‌شوند نیستند. این مساله بدان معناست که کودکان در فضاهایی که با دیدگاه بزرگسالان طراحی و برنامه‌ریزی می‌شوند احساسی مثبتی بر کنترل و مدیریت رفتارهای خود را درک نمی‌کنند. در این شرایط به نظر می‌رسد که انجام برخی از مطالعات و تحقیقات در راستای شناخت هرچه بهتر نیازهای فیزیکی و روانشناختی کودکان می‌تواند موثر واقع گردد.

بر خلاف تصور یا وجود کلیه پژوهش‌های انجام گرفته برای شناسایی هرچه بهتر نیازهای کودکان، همچنان در حوزه مطالعات روانشناختی این رده سنی ابهامات بسیاری وجود دارد. از این رو می‌توان گفت که دشوارترین مرحله از طراحی برای کودکان اعمال نیازهای روانشناختی آنها می‌باشد و این مساله در حالیکه که بین دسته از نیازها به میزان بیشتری از توجه و اهمیت نیازمندند. در فرایندهای معمول برای خلق فضاهای مختص کودکان اگر چه نیازهای محیطی آنها انکار نمی‌شوند و در بحث مطالعات پیش از طراحی مورد توجه قرار می‌گیرند ولی در عمل بسیار نادیده گرفته می‌شوند. این مساله بدان معناست که ممکن است جلوه‌های محیطی هماهنگ با نیازهای کودکان شناخته شده باشند اما معماران اغلب در طول طراحی درگیر موانع و افکار محدود کننده دیگری مانند دیدگاه‌های مدیران تأثیرگذار و تضاد ادراکی و فضایی خود به عنوان یک ذهن بزرگسال، می‌توند. این مساله بدین معناست که طراحی فضاها برای کودکان تنها نیازهای فیزیکی استاندارد شده ای را دنبال می‌کند که توسط موسسات و مسئولین بدون حضور کودکان تدوین گشته است. چنین فرایند طراحی حاصلی جز خلق فضاهایی ناکارآمد و ناهماهنگ با نیازهای کودکان ندارد و این کودکان در مواجهه با عدم جذابیت چنین محیط‌هایی فرصت استفاده از آنها و اینکه تحت نظارت و کنترل خودشان فرایند اجتماعی شدن را طی کنند را از دست می‌دهند. در تایید آنچه مطرح شد بر اساس آمارهای به دست آمده در این پژوهش مشخص گردید که امروزه می‌تواند هماهنگ نبودن محیط‌های طراحی شده برای کودکان با نیازهای واقعی آنها را به عنوان یکی از عوامل اصلی کاهش میزان استفاده آنها از محیط‌های طراحی شده بیرونی مطرح ساخت. این مطالعات این نظریه را مطرح ساخت که کودکان محیط‌های شهری خود به خصوص پارک‌های محله شان را دوست ندارند و یا آنها ارتباط برقرار نمی‌کنند زیرا این پارک‌ها پاسخگوی نیازهای جسمی و روحی واقعی آنها نبوده و توان رقابت با سایر تفریحات نظیر بازی‌های کامپیوتری و برنامه‌های تلویزیونی را ندارند. از این رو شاید بتوان این موضوع را مطرح ساخت که عدم مشارکت کودکان در طراحی که نتیجه ای جز عدم درک صحیح طراحان از خواسته‌ها و

نقش را در این ارتقا و انتقال ایفا نماید.

در حالیکه سازمان دهی، همکاری گروههای هم عقیده امروزه می‌توانند مشارکت کودکان را به نون یک شاخه تحقیقاتی از طراحی محیطی مورد بررسی قرار دهد. تحقیقات و فعالیت‌های متعدد و گسترده ای برای گسترش اثرات این موضوع مورد نیاز هستند. برای مثال ما نیازمند تعدد بیشتری از مطالعات تجربی هستیم که شیوه‌های ارتباط با کودکان و استفاده از مشارکت آنها در ساختن محیط‌های مناسب را برای طراحان ترسیم نماید. یکی از یوروش ها می‌تواند برنامه‌های ارزیابی محیطی از محیط‌های ساخته شده بر اساس الگوهای رفتاری کودکان باشد. در برخی از روش ها نیز ساران می‌توانند برای کودکان توضیح دهند که بناها چگونه ساخته می‌شوند و کودکان می‌توانند در مورد طراحی فیزیکی و آنچه خود در صورت طراحی یک پارک جدید انجام می‌دادند از طریق نقاشی و ارائه نلالت کوتاه به اظهار نظر بپردازند. همچنین برخی پروژه‌های توجیهی شان داده اند که کودکان معنی درست لذت برندن را می‌فهمند و می‌توانند با مشارکت فعال در ساختن مدل‌های خلاقانه از ساختمان ها و پروژه‌های ساختمانی دیدگاه‌های ارزشمندی را برای استفاده طراحان ارائه کنند. با این وجود به نظر می‌رسد که بسیاری شیوه‌های دیگر خلاقانه در جهت بهره گیری از مشارکت کودکان در برنامه ریزی طراحی پاک ها و زمین بازی وجود دارد که یافتن آنها و مطالعه بر روی بلا بیان بهره وری این روش ها می‌تواند موضوع پژوهش‌های بعدی در این زمینه باشد. در هر صورت می‌توان گفت که بحث مشارکت کودکان طول فرایند طراحی فضاهای شهری بخشی مهم و اساسی از تحفیه تئوری و عملی آینده در حوزه معماری را تشکیل خواهد داد.

از آنچه پیش از این مطرح گردید اینگونه بر می‌آید که مشارکت کودکان را می‌توان به عنوان بهترین راه حل برای طراحی شهرهای پایدار و دوستانه مطرح ساخت. در این فرایند، تجربیات کودکان به خودی خود می‌تواند نقش موثری برای جامعه ایفا کرده و موجب تولید چهارچوب ها و استانداردهایی برای استفاده از کودکان در فرایندهای تصمیم سازی، طراحی و حتی ساخت مجموعه ها گردد. علاوه بر آن دست آوردهای اقتصادی ای را نیز می‌توان برای این فرایند در نظر گرفت زیرا در این شرایط می‌توان مکانات مادی مناسب تری که بر اساس نیازهای واقعی کاربران شکل گرفته است در اختیار آنها قرار داد و با تبدیل این مکان ها به فضاهایی پر مخاطب از مترو که شدن و تخریب و یا تغییر کاربری پیش از هنگام آنها جلوگیری کرد. همچنین می‌توان خاطر نشان کرد که افزایش عمر فضاهای شهری علاوه بر مزایای اقتصادی منافع زیست محیطی بسیاری نیز به همراه دارد. طراحی و ساخت محیط‌های زیست شهری تحت نظارت و کنترل کودکان در بعد اجتماعی نیز مزایایی به همراه دارد زیرا در این مکان ها شانس کودکان برای انجام فعالیت‌های بدنی مناسب، خلق مرزها و محدوده‌های احساسی، نمایش توانمندیها و ارضای سایر پتانسیل‌های جسمی و روحی آنها بیشتر می‌شود. همین طور به نظر می‌رسد اینگونه مکان ها فرصت بیشتری در اختیار کودکان قرار می‌دهند تا بتوانند فرایند اجتماعی شدن خود را به بهترین شکل سیری نمایند.

به طور کاملاً مشخصی مشارکت کودکان بحثی است که در محیط‌های علمی و آکادمیک و به صورت پروژه‌هایی انفرادی و معمولاً در قالب بررسی عملکرد مستقل یک کشور به خصوص رشد کرده است.

فهرست منابع:

- Alexander, J. (1993). *The External Costs of Escorting Children*. *Children Transport and Quality of Life* (77-81). London: Policy Studies Institute.
- Altman, I. & E. Zube (1989). *Public Places and Spaces*. *Human Behavior and the Environment* (Volume 10). New York: Plenum.
- Center for Architecture and Urban Planning Research (1981). *Planning and Design Guidelines: Child care centers and outdoor play environments*. Moore, G. T. et al. Milwaukee: University of Wisconsin.
- Chawla, L. & Heft, H. (2002). *Children's competence and the ecology of communities*. *Journal of Environmental Psychology*, 22: 201-216.
- Chawla, L. R. (2001). *Growing Up in an Urbanizing World*. London: Earthscan Publications.
- Christensen, P. (2003). *Place, space and knowledge: children in the village and the city*. Christensen, P. and O'Brien, Deveraux, K. (1991). *Children of Nature*. *UC Davis Magazine*, (9): 20-23.
- Francis, M. (1999). *Proactive practice: visionary thought and participatory action in environmental design*. *Places*, (12): 60-68.
- Francis, M. Lorenzo, R. (2002). *Seven Realms of Children Participation*. *Environmental Psychology*, (22): 157-169.
- Gaster, S. (1991). *Urban children's access to their neighborhoods: changes over three generations*. *Environment and Behavior*, (23): 70-85.
- Gorlitz, D., H. Harloff, G. May, & J. Jalsiner (1998). *Children, Cities and Psychological Theories: Developing Relationships*. New York: Walter D Gruyter.
- Harden, J. (2000). *There is no placelike home: The public, private distinction in children's theorizing of risk and safety*. *Childhood*, 7 (1): 1-10.
- Hart, R. (1987). *Children's Participation in Planning and Design Spaces for Children*. New York: Plenum.



- Hart, R.(1992).*Children's Participation: From Tokenism to Citizenship*.Florence: UNICEF International Child Development Center.
- Hart, R.(1997).*Children's Participation: The Theory and Practice of Involving Young Citizens in Community Development and Environmental Care*.London: Earthscan.
- Hiss, T.(1990).*The Experience of Place*.New York: Knopf.
- Holloway, S.& G.Valentine, (2000).*Children's Geographies: Living, Playing, Learning and Transforming Everyday Worlds*.London: Routledge.
- Horvati, L.(1998).*Creating child-friendly environments: case studies on children's participation in three European countries*.*Childhood*, 5 (2): 225-239.
- Innovations in Play Environments (71-252)*.New York: St.Martin's Press.
- Lepore, I.& R.Lorenzo.(1993).*How to Win Back Our Cities*.Rome:Quaderno di Educazione Ambientale.
- Lorenzo, R.(1998).*The Sustainable City: Participation, Place and Community*.Milan: Ele' uthera.
- Lynch, K.(1978).*Growing Up in Cities*.Cambridge: The MIT Press.
- M.eds.*Children in the City: home, neighborhood and community (13-28)*.London: Routledge.
- McKendrick, J.H., A.V.Fielder & M.G.Bradford (2000).*Privatization of collective playspaces in the United Kingdom*.*Childhood*, 7: 295-314.
- Melson, G.E, S.Peer, C.Sparks (1991).*Children's attachment to their pets: links to socio-emotional development*.*Children's Environments Quarterly*, 8 (2): 55-65.
- Moore, R.C.(1990).*Childhood's Domain: Play and Place in Child Development*.Berkeley: MIG Communications.
- Moore, R.C.(1978).*Meanings and Measures of Children Environment Quality: Some Findings from Washington Environmental Yard*.In Rogers, W.E.& Ittelson, W.H.(eds.) *New Directions in Environmental Design Research*. Arizona:Edra.
- Noschis, k.(1995).*Children and the City*, Lusanne: Comportements.
- Oslo symposium (June, 2000) on *Children's Participation in Community Settings*.
- Percz, C.& R.Hart (1980).*Beyond playgrounds: children's accessibility to the landscape*.In Wilkinson, P.F.(ed.),
- Postman, N.(1994).*The Disappearance of Childhood*.New York: Dell Books.
- Pradhan, U.(2007).*The Child to Child Approach to Community and Health Development in South Asia*.*Children, Youth and Environments*, 17(1): 257-268.
- Preiser, W.E.E., et al.(1988).*Post Occupancy Evaluation*.New York: Van Nostrand Reinhold.
- Sattertwate, D., et al.(1996).*The Environment for Children: Understanding and Acting on the Environmental Hazards that Threaten Children and Their Parents*.London: Earthscan.
- Sener, T.(2006).*The Children and Architecture Project in Turkey*, *Children, Youth and Environments* 16(2): 191-206.
- Talen, E.& M.Coffindaffer (1999).*The utopianism of children: an empirical study of children's neighborhood design preferences*.*Journal of planning education and research* 18(4): 321-31.
- UNICEF.(2000).*Towards Child-Friendly Cities*.New York: United Nations Children's Fund.
- Ward, C.(1988).*The Child in the County*.London: Robert Hale.
- Wood, D.(1993).*Ground to stand on: some notes on the kid's dirt play*.*Children's Environments*, 10: 3-18.
- Woolley, H.et al.(2000).*Children describe their experiences of the city centre: a qualitative study of the fears and concerns which may limit their full participation*.*Landscape Research*, 24: 287-301.